

در وی کفن و صوط بیرون از رخت و با جامه دانی دیدم که هرگز
 نیده بودم بیرون آوردم و بر آنکس کرد و نماز گذارد پس گفت بآبوت
 بیار کفتم بروم و بخار را بگویم تا بآبوت بتر است گفت در خزانه
 رو رفته تا بونی دیدم که سرگزیده بودم آوردم و بر او بآبوت کرد
 و در رکعت نماز آغاز کرد هنوز نام نکرده بود که بآبوت از جای
 خود برخاست و سقف خانه بشکافت و تا بآبوت از جای بالا رفت
 گفتیم یا این رسول الله مامون هم درین ساعت بیاید و بر
 طلب دارد ما چه گویم فرمود که خاموش باش که بآبوت زود
 باز خواهد گشت پس فرمود که ای ابو الصلت بسجده بجزئی نیست
 که در مشرق مرده باشد و وصی وی در مغرب میرد مگر آنکه خدا ای تعالی
 میان اجساد ایشان میان ارواح ایشان بسجده کند این سخن تمام
 نشده بود که یا زسقف خانه بشکافت و تا بآبوت فرود آمد و در آزار
 بآبوت بیرون آورد و بر فرشتش بخواهید چنانکه بر آنستند از کفن
 نکرده اند پس فرمود که بر خیز و در کفشی بکشادم مامون و ملائک بود
 در آمدند که با او و پهلش که سیال می دریدند و طبعی بر سر سر نه مامون

میگفت یا سیداه

Copyrighted by King Fahd University